



تحلیلی درباره موقعیت‌شناسی شهید مطهری

روحانی متناسب با زمان

فائزه فلاطونی

اشاره

شهید مطهری را باید یک موقعیت‌شناس تمام‌عیار به شمار آورد. اقدامات به‌موقع او در مبارزه با خط‌التقاط و انحراف، بر همین واقعیت دلالت دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری، شهید مطهری نمونه یک شخصیت روحانی متناسب با زمان است که می‌تواند در چالش اول، کار درست بکند و اقدام بجا انجام دهد. نوشته حاضر به ابعاد موقعیت‌شناسی شهید مطهری در اندیشه و عمل او می‌پردازد.



اهمیت موقعیت‌شناسی از نگاه استاد شهید

شهید مطهری در تبیین ضرورت موقعیت‌شناسی، به لزوم تشخیص موضوع و زمان اشاره کرده، می‌گوید: «غالبا مردم اگر یک چیز را بشنوند خوب است، خیال می‌کنند در همه وقت و همه جا خوب است و اگر بشنوند بد است، خیال می‌کنند در همه وقت و همه جا بد است و از این جهت است که یک چیز را با نقطه مقابلش در برابر یکدیگر قرار می‌دهند و می‌پرسند: این خوب است یا آن؟ مثلا آیا سخن گفتن بهتر است یا سکوت کردن؟ آیا عزلت بهتر است یا معاشرت؟ آیا عفو بهتر است یا مجازات؟ آیا قیام و جهاد بهتر است یا سازش؟ بدیهی است که هیچ یک از این سؤالات جواب مطلق ندارد؛ یعنی نمی‌توان گفت به طور مطلق

سخن گفتن بهتر است از خاموشی یا خاموشی بهتر است از سخن گفتن؛ زیرا موارد و شرایط مختلف است: در یک جا باید عفو کرد و در جای دیگر باید مجازات نمود؛ یک جا باید قیام و جهاد کرد و جای دیگر باید راه مسالمت پیش گرفت؛ یک جا باید لب به سخن گشود و یک جا باید خاموشی اختیار کرد.» او با اشاره به دو بیت سعدی که می‌گوید:

«اگرچه پیش خردمند خاموشی ادب است
به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی
دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن
به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی»

این دو بیت را شاهدهی بر اهمیت موضوع می‌داند و بر همین اساس



داخل به طرز مؤثر و ریشه‌کن‌کننده‌ای سر در آورده بود و موقعی رسید که شخص علی علیه‌السلام مقاومت در مقابل طاغیان مسلمین را واجب دانست و همان طوری که پیغمبر خبر داد، در جمل و صفین و نهروان با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگید و در برابر سرکشی‌های آن‌ها مردانه مقاومت کرد.^۶ شهید مطهری همچنین به بحث صلح امام حسن علیه السلام می‌پردازد و صلح ایشان را نیز ناشی از زمان‌شناسی حضرت می‌داند. به تعبیر استاد شهید: «... اگر شرایط حضرت علی مثل شرایط حضرت امام حسن می‌بود صلح می‌کرد، اگرچه بیم کشته‌شدنش در مسند خلافت می‌رفت. ولی می‌دانیم که شرایط حضرت امیر با شرایط امام حسن خیلی متفاوت بود... این که... چرا امیرالمؤمنین حاضر نیست یک روز حکومت معاویه را قبول کند ولی امام حسن حاضر می‌شود؟ حضرت امیر حاضر نیست یک روز معاویه به عنوان نایب او و به عنوان منصوب از قبل او حکومت کند، ولی امام حسن که نمی‌خواهد معاویه را نایب و جانشین خود قرارداد، بلکه می‌خواهد خود کنار برود. صلح امام حسن کنار رفتن

شاید مطهری همچنین به بحث صلح امام حسن علیه السلام می‌پردازد و صلح ایشان را نیز ناشی از زمان‌شناسی حضرت می‌داند. به تعبیر استاد شهید: ... اگر شرایط حضرت علی مثل شرایط حضرت امام حسن می‌بود صلح می‌کرد، اگرچه بیم کشته‌شدنش در مسند خلافت می‌رفت. ولی می‌دانیم که شرایط حضرت امیر با شرایط امام حسن خیلی متفاوت بود... این که... چرا امیرالمؤمنین حاضر نیست یک روز حکومت معاویه را قبول کند ولی امام حسن حاضر می‌شود؟

است نه متعهدبودن. در متن این قرارداد هیچ اسمی از خلافت برده نشده، اسمی از امیرالمؤمنین برده نشده، اسمی از جانشین پیغمبر برده نشده، سخن این است که ما کنار می‌رویم، کار به عهده او، ولی به شرط آن که این که شخصا صلاحیت ندارد، کار را درست انجام دهد و متعهد شده که درست عمل کند. پس این دو خیلی تفاوت دارد. امیرالمؤمنین گفت: من حاضر نیستم یک روز کسی مثل معاویه از طرف من نایب من در جایی باشد. امام حسن هم حاضر به چنین چیزی نبود، و شرایط صلح نیز شامل چنین چیزی نیست.^۷ همین جریان در مساله قیام حسینی نیز به چشم می‌خورد. به تعبیر استاد مطهری: «در زمان خلافت یزید بن معاویه اوضاع و احوال صورت بی‌سابقه‌ای پیدا کرد. شخص خلیفه وقت علاوه بر آن که از جنبه شخصی مردی پست و فرومایه و فاسق بود، در سیاستی که پیش گرفته بود رسماً مردم را به طرف بی‌دینی سوق می‌داد و علیه اسلام و پیغمبر اسلام تظاهراتی می‌کرد... شهادت و قربانی دادن امام حسین علیه‌السلام، آن هم با آن وضع فجیع و جانگداز، به منزله تکان سختی بود که به پیکره خواب‌آلود آن روز جامعه اسلامی داده شد و به منزله باتگ بیدارباشی بود که گوش‌ها و هوش‌ها را متوجه خطر بزرگی که به مسلمین رو آورده بود نمود و حقا کار خود را کرد... به شهادت تاریخ، شهادت جانگداز ابا عبدالله تأثیر عمیقی در روحیه مسلمین کرد و چشم‌ها را

تاکید می‌کند که: «چون خوب و بد و باید و نباید امر مطلق نیست و با شرایط و موارد و موقعیت‌ها بستگی دارد، لازم‌ترین چیزها برای انسان در نظر گرفتن شرایط و زمان‌ها و مکان‌ها و موقعیت‌هاست، و اهمیت و عظمت اشخاص در تشخیص موقعیت‌ها خوب ظاهر می‌شود.»^۸ وی در واقع معیار عظمت اشخاص را در شناخت دقیق موقعیت‌ها می‌داند. شهید مطهری در تبیین اهمیت موضوع به شاهد مثال‌های تاریخی روی می‌آورد و برای این که بر قداست و عظمت بحث بیفزاید، مستقیم سراغ سیره اهل بیت علیهم السلام می‌رود تا نگاه‌ها را به این بحث جدی‌تر سازد. بر همین اساس، بر این اصل تاکید می‌کند که: «طرز رفتار و عمل علی و آل علی علیهم السلام بهترین معرف دستور موقعیت‌شناسی اسلام است و در عین حال معرف اهمیت و عظمت و بزرگواری خود این بزرگواران است.»^۹ او مثال‌های عینی در این باره را نیز بیان می‌کند و بر موقعیت‌شناسی اهل بیت تاکید می‌ورزد. یک نمونه از این مثال‌ها، تدبیر درست و زمان‌شناسی بهنگام امیرالمؤمنین علیه السلام است. شهید مطهری در تبیین این ماجرا به فرصت‌طلبی ابوسفیان اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعد از وفات پیغمبر اکرم که موضوع خلافت پیش آمد... آن کسانی که سال‌ها با پیغمبر در نبرد و ستیز بودند و عاقبت شکست خورده بودند، زمینه را برای خنثی کردن زحمات پیغمبر اکرم فراهم دیدند. لهذا ابوسفیان پدر معاویه و جد یزید بن معاویه که دل پر خونی از اسلام داشت و بسیار مرد تیزهوش و باتجربه و جهان‌دیده‌ای بود، فکری اندیشید که مقصود خویش را عملی سازد. رفت به خانه عباس عموی پیغمبر و شرحی راجع به این که خلافت حق خاندان شماسست و نباید از خاندان شما بیرون برود صحبت کرد و گفت: اگر احتیاج به کمک نظامی باشد، من از افراد و اتباعی که در اختیار دارم تمام سرزمین مدینه را از افراد خودم پر خواهم کرد. ابوسفیان با این گفتارها عباس را موافق کرد و پس از آن به اتفاق عباس آمد به در خانه علی علیه‌السلام و عین آن گفتارها را تکرار کرد و علی را به شورش و انقلاب در مقابل دستگاه خلافت و مطالبه حق خود تحریص و ترغیب کرد. علی علیه‌السلام ضمیر ابوسفیان را خواند و دانست که او [چه آرزوی پستی در دل و چه خیال شومی در سر دارد، او دلش به حال اسلام یا به حال خاندان هاشم نسوخته؛ مقصود و مطلوب او تفرق و تشتت حوزه اسلامی و از هم‌پاشیدگی مسلمین و در حقیقت انتقام گرفتن از پیغمبر اکرم است. این بود که دست رد به سینه ابوسفیان زد و او را با این جمله‌ها مخاطب ساخت: ای ابوسفیان! هنگامی که دریای فتنه می‌خروشد و امواج مهلک ایجاد می‌کند، باید با کشتی نجات سینه این موج‌ها را شکافت و کشتی نشستگان را به ساحل نجات رسانید.»^{۱۰} به تعبیر شهید مطهری، رفتار موقعیت‌شناسانه امام علی علیه السلام در این باره، بسیار هوشمندانه و مدبرانه بود: «تحریکات غرض‌آلود ابوسفیان مؤثر نشد و البته او خیال می‌کرد که می‌تواند علی را که دوره جوانی را طی می‌کند و موضوع حق از بین رفته‌ای در جلو چشم دارد بفریبد و آبی گل‌آلود کند و نتیجه بگیرد. ولی علی علیه‌السلام روی حسن موقعیت‌شناسی و مصلحت‌بینی، صلاح اسلام و مسلمین را در سکوت و مسالمت دید و حقا هم اگر آن روز جنگ داخلی شروع شده بود، در همان روزهای اول، اساسی که به وسیله پیغمبر اکرم گسترده شده بود یکباره برچیده می‌شد. این بود موقعیت آن روز و طرز رفتار علی علیه‌السلام در آن روز.»^{۱۱} البته این سکوت حضرت از مصلحت‌سنجی و زمان‌شناسی ایشان سرچشمه می‌گرفت؛ چراکه اگر در این زمان سکوت را ترجیح داده بود، در زمان دیگر عدم سکوت و قاطعیت را برگزید: «ولی بعدها چرخ زمانه برگشت و در اوضاع و احوال تغییراتی رخ داد، وضع مسلمین از لحاظ خارجی مستحکم شده بود ولی فساد از





۳. فهم دقیق در چگونگی مبارزه با افکار انحرافی: «شهید مطهری یک مبارز در راه خدا؛ یعنی یک مجاهد فی سبیل الله بود. منتها جهاد انوعی دارد. یکی از سخت‌ترین جهادها این است که در مقابله با هجوم افکار و فرهنگ‌های غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم، انسانی که حق را می‌شناسد، بایستد و بخواهد از حق دفاع کند و با بیان، با فکر، با منطق و با سلاح زبان و قلم، ذهن‌ها را به سمت آن چه درست است هدایت کند. این، از آن جهادهای بسیار دشوار است و شهید مطهری، این جهاد سخت را سال‌های متمادی انجام داد. او انسان بصیر و نافذالبصیرهای بود؛ آدم معمولی نبود؛ بینش تیزی داشت؛ به سطح جامعه نگاه می‌کرد و اشتباهاتی را که در فهم عمومی ملت ما وجود داشت و متأثر از تلقین دشمنان بود، می‌فهمید که چیست و شروع می‌کرد با آن‌ها مبارزه کردن. همین مبارزه، که مبارزه در راه خدا بود، کمک بسیار زیادی به پیروزی این انقلاب کرد؛



چون تا مردم فکرشان درست نباشد، کار درست از آن‌ها سر نمی‌زند. فکر که درست شد، انسان درست عمل می‌کند. اعتقاد به یک راه درست که پیدا کرد، در آن راه به حرکت درمی‌آید و آن راه را می‌پیماید. شهید مطهری به شناخت مردم کمک می‌کرد که راه را بشناسند. پس، به پیروزی این انقلاب و به هدایت این حرکت عمومی کمک کرد.»^{۱۶}

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز معتقد است که شهید مطهری با نگرش نویی که به اسلام داشت، پیشگام اسلامی‌سازی دانشگاه‌های کشور بود. ایشان با اشاره به زمان‌شناسی شهید مطهری، می‌گوید: «ایشان در عین این که به نیازهای زمان توجه داشتند، مطالعه و آثار خود را نیز به آن اختصاص می‌دادند. در زندان رژیم طاغوت، ایشان را می‌دیدم که چگونه کلاس‌های تبیین معارف اسلامی را برای زندانیان برگزار می‌کردند و در بحث‌های علمی با دیگر شخصیت‌های علمی شرکت می‌کردند.»^{۱۷}

آیت‌الله مصباح یزدی نیز با اشاره به شرایط فرهنگی اجتماعی زمان شهید مطهری می‌گوید: «گروه‌های مختلف، شرایط فرهنگی جامعه را به سمت انحطاط سوق می‌دادند، و جوانان و دانشگاهیان آماج حملات و شبهات قرار داشتند؛ در چنین شرایطی اگر تیزبینی و هوشیاری شهید مطهری نبود، اثری از معارف اسلامی باقی نمی‌ماند.» به اعتقاد آیت‌الله مصباح، «استاد شهید مطهری با درک موقعیت فرهنگی کشور که توأم با مسائل سیاسی بود، فعالیت خود را آغاز کرد و با تلاش‌های بی‌وقفه خود، جامعه را از انحطاط دینی و فرهنگی نجات داد و برکات ایشان نه تنها در

از خواب بیدار کرد و همین امر موجب شد که بعدها انقلابات و طغیان‌ها علیه دستگاه خلافت اموی به پا شد و تا قرن‌ها همین حادثه دل‌ها را به هیجان می‌آورد و افراد را علیه مظالم امویین برمی‌انگیخت تا بالاخره منجر به انقراض خلافت و حکومت نکتبت‌بار اموی شد. علی بن ابی طالب و فرزند ارجمندش اباعبدالله هر دو از یک نقشه اصلی پیروی می‌کردند و یک هدف داشتند و آن عبارت بود از حفظ شوکت اسلام و تعقیب هدف پیغمبر اکرم. این نقشه را خود پیغمبر به صورتی و علی به صورت دیگر و حسین بن علی به صورت سومی عمل کردند.»^{۱۸} در واقع استاد مطهری، نهضت حسینی را «معرف دستور موقعیت‌شناسی اسلام»^{۱۹} ذکر می‌کند.

موقعیت‌شناسی بزرگی به نام شهید مطهری

بزرگان متعددی معتقدند که مطهری، زمان‌شناسی برجسته ود و نوشته‌ها و سخنرانی‌های او همه بر اساس موقعیت‌سنجی این شهید گرانقدر به وجود آمده‌اند. امام خمینی او را حاصل عمر خود می‌خوانند و تاکید می‌کنند که: «مرحوم آقای مطهری یک فرد بود، جنبه‌های مختلف در او جمع شده بود، و خدمتی که به نسل جوان و دیگران مرحوم مطهری کرده است، کم کسی کرده است. آثاری که از او هست، بی‌استثنا همه آثارش خوب است؛ و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم: بی‌استثنا آثارش خوب است.»^{۲۰} ایشان همچنین می‌افزایند: «من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود.»^{۲۱}

مقام معظم رهبری نیز در این باره عبارت‌های روشن‌گری دارند. ایشان در دو جمله از کلیدی‌ترین جملات خویش بر موقعیت‌شناسی و اقدام به‌موقع این استاد فرزانه تاکید می‌کنند. در یک جا می‌گویند: «مرحوم شهید مطهری نمونه یک شخصیت روحانی متناسب با زمان است که می‌تواند در چالش اول، کار درست بکند و اقدام بجا انجام دهد.»^{۲۲} و در جایی دیگر تاکید می‌کنند: «شهید مطهری پهلوان میدانی بود که کسی وارد آن نشده بود.»^{۲۳} این دو جمله ایشان بیانگر موقعیت‌شناسی شهید مطهری است. در میان انبوه بیانات مقام عظیم‌الشأن ولایت درباره زمان‌شناسی استاد مطهری، می‌توان موارد زیر را به ترتیب بیان کرد:

۱. گلاویز شدن با افکار انحرافی: «هنر شهید مطهری در آن دوران این بود که با قدرت اجتهاد و با انصاف و ادب علمی - چه در زمینه علوم نقلی، چه در زمینه علوم عقلی - وسط میدان ایستاد و با این افکار گلاویز شد و آن‌چه را که تفکر اسلامی بود، روشن، ناب و بی‌شائبه وسط گذاشت. علیه او خیلی هم حرف زدند و خیلی هم کار کردند؛ اما ایشان این کار را انجام داد.»^{۲۴}

۲. زمان‌شناسی در پاسخگویی به شبهات: «شهید مطهری به عرصه ذهنیت جامعه نگاه کرد و عمده‌ترین سؤالات ذهنیت جامعه جوان و تحصیل کرده و روشنفکر کشور را بیرون کشید و آن‌ها را با تفکر اسلامی و فلسفه اسلامی و منطق قرآنی منطبق کرد و پاسخ آن‌ها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ از مسأله عدل الهی و قضا و قدر و علل گرایش به مادی‌گری بگیرد - که مسائل، بیش‌تر ذهنی و عقلی است - تا مسائل مربوط به زنان، تا مسائل مربوط به خدمات متقابل ایران و اسلام، که این هم تلاشی بود برای روشن کردن ذهن‌ها. آن روز عده‌ای با گرایش ایران‌مداری می‌خواستند با اسلام مبارزه کنند؛ ایشان گفت نه، اسلام به ایران خدمت کرده؛ ایران هم به اسلام خدمت کرده. «خدمات متقابل ایران و اسلام» همان قدر ارزش دارد که کتاب «عدل الهی» شهید مطهری.»^{۲۵}



◀ **به اعتقاد آیت‌الله مصباح، استاد شهید مطهری با درک موقعیت فرهنگی کشور که توام با مسائل سیاسی بود، فعالیت خود را آغاز کرد و با تلاش‌های بی‌وقفه خود، جامعه را از انحطاط دینی و فرهنگی نجات داد و برکات ایشان نه‌تنها در ایران، بلکه در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفت.**



ایران، بلکه در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفت. در طرف دیگر، کسانی که می‌بایست مدافع اسلام باشند و با جریان‌ها مبارزه کنند، به هیچ وجه آمادگی نداشتند و جامعه در معرض تبلیغات مسموم و شبهات فراوان بود. در چنین شرایطی خلأ کسانی که بتوانند با سبکی مناسب هم با پاسخ به شبهات، آثار سوء آن را از بین ببرند و هم جامعه را واگسینه کنند، احساس می‌شد که در این میان شهید مطهری با سخنرانی‌ها، کلاس درس و کتاب‌ها، این خلأ را رفع کرد.^{۱۸}

مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی نیز که از نزدیک با شهید مطهری آشنا و با وی محشور بود، به نکات جالبی اشاره می‌کند. به تعبیر ایشان، «مرحوم مطهری هم عالم، هم متعلم و هم معلم بودند. همه این‌ها را داشتند. ما زیاد داریم کسانی را که عالمند؛ خوب، یک سری مسایل را بلدند. اما نسبت به آینده هیچ نظری ندارند. نسبت به مسایل اجتماعی



از همین ویژگی برخوردار است. این‌ها چیزهای تکراری است که من به شما می‌گویم. شما همه با نوشته‌های آن مرحوم آشنایی دارید و می‌دانید که مرحوم مطهری برخلاف خیلی از نویسندگان در عالم مجزرات! سیر نمی‌کردند و در فضا! مطلب نمی‌نوشتند، نگاه می‌کردند، ببینند چه چیزی مورد احتیاج است، چه چیزی مورد نیاز مردم ما است، و به ویژه نسل جوان ما، تا برای آن پاسخی تهیه کنند. و این قدرت را هم داشتند. آن روزها بحث الحاد و مارکسیسم و مبارزات مارکسیست‌ها در ایران به اوج خود رسیده بود و در دانشگاه تهران و جاهای دیگر، بسیاری از مبارزان با آن رژیم، جوان‌هایی بودند که علایق مارکسیستی داشتند. البته مسلمان‌ها هم بودند. جوان‌های مسلمان و معتقد نیز در دانشگاه بودند. ولی به حسب ظاهر، غلبه با مارکسیست‌ها بود. وقتی ما در همان زمان سال‌ها به زندان رفتیم، دیدیم که غلبه با مارکسیست‌ها است و جوان‌ها که اول وارد می‌شدند، آن‌ها جذبشان می‌کردند، و بحث دین و نماز و روزه و نجاست و طهارت و امثال این‌ها، بحث‌های ارتجاعی محسوب می‌شد.^{۲۰}

موقعیت‌شناسی مطهری از نگاه مطهری

شهید مطهری در لابلای بیانات و نوشته‌های خود نیز بر مساله موقعیت‌شناسی خویش تاکید می‌کند. وی به این موضوع اشاره کرده، می‌نویسد: «نوشته‌های این بنده برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی، برخی تاریخی است با این‌که موضوعات این

اصلاً بی‌تفاوتند. کاری ندارم که استاد دانشگاه است یا استاد حوزه علمیه. صبح خارج شده و به دنبال تدریس می‌رود. کاری به حوادث و آن‌چه که در اجتماع می‌گذرد، ندارد. بعضی‌ها نه این‌که تقصیر هم داشته باشند، اصولاً بینش و دیدگاهشان همین است، به هر حال بیش از این نیستند. ولی بعضی‌ها هستند که هم عالمند، هم معلم و هم مرشد و هادی جامعه. مرحوم مطهری این صفات را جمع کرده بودند؛ عالم و متعلم و مرشد و هادی و سیاستمدار. مسایل و حوادثی که در مملکت می‌گذشت، به آن مسایل توجه داشتند. هم توجه کافی مبذول می‌داشتند و هم درک می‌کردند و هم در برابر این گونه حوادث، احساس مسؤولیت می‌کردند که باید بالآخره اگر یک انحرافی یا حادثه ناگواری اتفاق می‌افتد، فکری کرد. خوب، خیلی‌ها هستند که حوادث را نیز تا حدی درک می‌کنند، احساس ناراحتی می‌کنند، ولی اقدامی نمی‌کنند، می‌گویند خوب، حالا این‌طور شده است، چه می‌شود کرد. گاهی هم دعا می‌کنند و می‌گویند که خداوند (إن شاء الله) اصلاح کند. این مسایل بوده، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، حالا هم هست. ولی از خصوصیات بارز شهید مطهری این است که در جهت روحانیت و در جهت پاسداری از نام شامخ روحانیت دینی و تشیع، حساسیت خاصی داشتند.^{۱۹} آیت‌الله مهدوی کنی، آثار شهید مطهری را نیز ناشی از همان ویژگی موقعیت‌شناسانه وی دانسته، می‌گوید: «ایشان همواره عناوین خاصی را مورد بحث خود قرار می‌دادند که بحث‌های روز بود. شما کتاب‌های وی را نیز اگر بنگرید، می‌بینید که



مطهری به اندازه‌ای است که آیت‌الله مصباح یزدی می‌گوید: «اگر کسی بگوید چنانچه امثال آقای مطهری در این کشور نبودند، این کشور سرنوشتی جز کفر و ارتداد نداشت، سخن گزافی نگفته است...چند تا از بهترین جوان‌های متدین از بهترین خانواده‌ها را می‌شناسم که یا اعدام شدند یا در درگیری‌ها کشته شدند. اگر این‌ها تربیت صحیحی می‌دیدند و زمینه‌ای بود که به شبهاتشان پاسخ داده شود، نه تنها این فسادها را برپا نمی‌کردند، بلکه چه بسا عامل‌های سازنده‌ای برای کشور می‌شدند. خدا را شکر که امثال استاد مطهری رحمه‌الله بودند و این جور شد؛ اگر نبودند چه می‌شد!»^{۲۵}

نمونه‌هایی از موقعیت‌شناسی شهید مطهری

اگر بنا باشد به طور مبسوط از زمان‌شناسی استاد مطهری سخن بگوییم، این تحقیق گنجایش ندارد؛ اما می‌توان با توجه به ظرفیت محدود حاضر، تنها به نمونه‌هایی اشاره کرد. مبارزه بهنگام استاد با جریان‌های التقاطی و انحرافی از همین دست نمونه‌هاست. راه‌اندازی



نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است؛ هدف از همه این‌ها یک چیز بود و بس. دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است، حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم واژگونه شده است و علت اساسی گریز گروهی مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود»^{۲۶} دغدغه شهید مطهری این بود که بسیاری از عقاید اصلی ما در چالش تفسیر نادرست و یا به تعبیر ایشان، مسخ قرار گرفته‌اند: «توحید ما مسخ شده است، نبوت ما مسخ شده است، ولایت و امامت ما مسخ شده است، اعتقاد به قیامت کم‌وبیش مسخ شده است، تمام دستوره‌های اصلی اسلام در فکر ما همه تغییر شکل داده است. در دین صبر هست، زهد هست، تقوی هست، توکل هست، تمام این‌ها بدون استثناء به صورت مسخ شده در ذهن ما موجود است.»^{۲۷} این معضلات به تعبیر شهید مطهری راه‌حل دقیقی را می‌طلبد که می‌توان نام این راه‌حل را همان موقعیت‌شناسی و درک صحیح از زمان نامید. وی در جایی دیگر می‌گوید: «افرادی مانند من که با پرسش‌های مردم درباره مسائل مذهبی مواجه هستیم، کاملاً این حقیقت را درک می‌کنیم که بسیاری از افراد تحت تاثیر تلقینات پدران و مادران جاهل و مبلغان بی‌سواد، افکار غلطی در زمینه



◀ **دغدغه شهید مطهری این بود که بسیاری از عقاید اصلی ما در چالش تفسیر نادرست و یا به تعبیر ایشان، مسخ قرار گرفته‌اند: توحید ما مسخ شده است، نبوت ما مسخ شده است، ولایت و امامت ما مسخ شده است، اعتقاد به قیامت کم‌وبیش مسخ شده است، تمام دستوره‌های اصلی اسلام در فکر ما همه تغییر شکل داده است. در دین صبر هست، زهد هست، تقوی هست، توکل هست، تمام این‌ها بدون استثناء به صورت مسخ شده در ذهن ما موجود است.**

مسائل مذهبی در ذهنشان رسوخ کرده است و همان افکار غلط اثر سوء بخشیده و آن‌ها را درباره حقیقت دین و مذهب دچار تردید و اجیانا انکار کرده است. از این رو کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود و این بنده شخصاً سال‌ها است که این مطلب را احساس کرده‌ام وظیفه خود دانسته‌ام که فعالیت‌های مذهبی خود را تا حدودی که توانایی دارم در راه تعلیم صحیح و معقول مفاهیم دینی و مذهبی متمرکز کنم. تجربه نشانه داده که این‌گونه فعالیت‌ها بسیار ثمربخش است.»^{۲۸} موقعیت‌شناسی استاد شهید چنان بود که در این راه از رویه قدیمی و منسوخ برای هدایت نسل جوان پرهیز کرده، خواهان تاکتیک جدید و همگام با متد روز است: «مهم‌تر از این که طرحی برای این نسل تهیه کنیم، این است که این فکر در ما قوت بگیرد که مسئله رهبری و هدایت از لحاظ تاکتیک و کیفیت عمل در زمان‌های متفاوت و در مورد اشخاص متفاوت، فرق می‌کند و ما باید این خیال را از کله خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم.»^{۲۹} همین زمان‌شناسی شهید مطهری، موجب نجات جوانان بسیاری شد که در معرض خطر التقاط و انحراف قرار داشتند. نقش معتابه استاد



سایر آثار استاد نیز ناشی از همین حس نگاشته شد. او خود در این زمینه می‌گوید: «این بنده، از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام... ادعا دارم... تا حدی که برایش مقدور است... حقایق اسلامی را آن‌چنان که هست ارائه دهد. فرضاً نمی‌تواند جلوی انحرافات عملی را بگیرد؛ باری، حتی الامکان با انحرافات فکری مبارزه نماید.»^{۲۷} او اصلی‌ترین وظیفه رهبر دینی را نشان دادن صراط مستقیم و مبارزه با انحراف‌ها و تحریف‌ها می‌داند و تاکید می‌کند: «خطری که امروز اسلام را تهدید می‌کند تنها آمریکا و شوروی نیستند... خطر مهم و حساس، تحریف و تفسیرهای منحرفانه از احکام اسلام است.»^{۲۸}

این نوشته را با یک سخن از رهبر معظم انقلاب به پایان می‌رسانیم که درباره موقعیت‌شناسی استاد مطهری می‌گویند: «شهید مطهری از اول حساسیت عجیبی روی تفکر التقاطی داشت. آن وقت که همه با تفکرات التقاطی برخورد‌های سطحی داشتند، او با کمال سخت‌گیری روی جابه‌جای این تفکر ایستاد...»^{۲۹}

جلسه حسینیه ارشاد، یکی از اقدامات به‌موقع استاد شهید مطهری بود. وی که هدفی جز روشنگری برای نسل جوان درباره معارف اسلامی نداشت، به دنبال برپایی مؤسسه‌ای بود که بتواند پیام نو و نسل نو را در فضایی نو با هم آشتی دهد. به این ترتیب، بحث مؤسسه تبلیغاتی و فرهنگ حسینیه ارشاد که مطابق با نیازها و آرمان‌های نسل جدید طراحی شده بود، در سال ۱۳۴۴ آغاز شد. او برای آگاهی بخشی به برخی قشرها بخصوص گروهی از جوانان دانشجو که تحت تأثیر افکار مارکسیسم و کمونیسم و سایر نحله‌های انحرافی بودند، به ارائه بحث‌های دینی پرداخت تا اذهان را از خطر انحراف برهاند. برخی کتاب‌های استاد مانند عدل الهی، خدمات متقابل اسلام و ایران، جذب و دافعه علی (علیه السلام) و همچنین بخش اعظم کتاب حماسه حسینی و کتاب گفتارهای معنوی، همان سخنرانی‌هایی است که در حسینیه ارشاد ایراد شده است. افزون بر این، سایر کتاب‌های استاد نیز از شم موقعیت‌شناسانه این شهید والا مقام حکایت می‌کند. کتاب‌های مسأله حجاب، و نظام حقوق زن در اسلام در زمانه‌ای نگاشته شد که حجاب

پی‌نوشت‌ها

۱. مجموعه آثار ۲۲، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۳۴۷.
۲. همان، ص ۳۴۸.
۳. همان.
۴. همان، ص ۳۴۹-۳۴۸.
۵. همان، ص ۳۵۰-۳۴۹.
۶. همان، ص ۳۵۰.
۷. مجموعه آثار ۱۶، کلیاتی در مسأله جنگ و صلح از نظر فقه اسلامی، ص ۶۵۱-۶۵۲.
۸. مجموعه آثار ۲۲، ص ۳۵۱-۳۵۰.
۹. این جمله، عنوان مقاله‌ای است که استاد شهید در سال ۱۳۳۴ شمسی نگاشته است. بنگرید: مجموعه آثار ۲۲، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۳۵۱-۳۴۷.
۱۰. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۲.
۱۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۸۸.
۱۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیان استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.
۱۳. بیانات در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر، ۱۳۸۲/۱۲/۱۷.
۱۴. همان.
۱۵. بیانات در دیدار جمعی از روحانیان استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.
۱۶. بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۰۲/۱۵.
۱۷. سخنرانی در دیدار اعضای ستاد برگزاری یادواره شهید مطهری.
۱۸. سخنرانی در دیدار جمعی از اعضای بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری (عج) در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳.
۱۹. سخنرانی آیت‌الله مهلوی کنی در اردیبهشت ۱۳۷۶ در مراسم هجدهمین سالگرد شهادت آیت‌الله مطهری در تالار علامه امینی (عج) دانشگاه تهران. ر.ک: مجله اندیشه صادق، شماره ۷۰.
۲۰. همان.
۲۱. عدل الهی، ص ۸.
۲۲. ده گفتار، ص ۱۴۵.
۲۳. املادهای غیبی، ص ۴۰۳.
۲۴. ده گفتار، ص ۲۱۴.
۲۵. بیانات در جمع خواهران جامعه الزهراء (علیها السلام)، ۸۶/۲/۱۱.
۲۶. سیمای استاد در آینه نگاه یاران، ص ۲۴۶.
۲۷. عدل الهی، ص ۱۰.
۲۸. مطهری مطهر اندیشه‌ها، ج ۱، ص ۱۳۴.
۲۹. مصاحبه ایشان در ۹ اردیبهشت ۱۳۶۱.



و عفاف، تمسخر و قوانین اسلام در باب حقوق زن، تحریف می‌شد. کتاب علل گرایش به مادی‌گری نیز در زمانی تألیف شد که در میان نسل جوان، گرایشی به مکاتب مادی - و از جمله مارکسیسم - مشاهده می‌شد. کتاب مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی استاد مطهری هم واکنشی در برابر انحراف‌های فراوانی بود که در نشریات برخی گروه‌های به‌ظاهر اسلامی و آثار بعضی روشنفکران مسلمان، وجود داشت. او در این راه دشواری‌های فراوانی متحمل می‌شد. شهید باهنر در این باره می‌گوید: «یک کتابی را ایشان شنیده بوده که... منتشر شده. ایشان گفت که: این کتاب را از هر کجا که هست برای من پیدا کنید... گشتیم و بالاخره یک نسخه پیدا کردیم. آن نسخه‌ای که به دست ما رسید، منحصر به فرد بود. ۴۰۰ صفحه بود. من باز حمت زیادی دو نسخه کپی از آن گرفتم. یک نسخه خدمت ایشان بردم و یک نسخه پیش خود من ماند. شاید بیست روز پیش‌تر نگذشت، ایشان فرمودند: با این کتاب چه کردی؟!... ایشان تمام کتاب را خوانده، فصل به فصلش را تحلیل کرده، نقطه ضعفش را در آورده و در حدود سیصد و پنجاه مورد علیه اسلام، به نام اسلام نوشته بود. یعنی کتابی که به عنوان یک بحث تاریخی درباره اسلام بود...»^{۳۰}

